

# ظهور اندیشه‌ها، مکاتب فکری و نظریه‌های اقتصادی جدید در دوران انقلاب صنعتی (۱۷۵۰-۱۸۵۰)

فریدون تفضلی\*

در دوران انقلاب صنعتی، نظام سرمایه‌داری در انگلستان با مشکلات اقتصادی و نابسامانی اجتماعی زیادی روبرو بود. توزیع نابرابر درآمد و ثروت، فقر و گرسنگی، ساعات طولانی کار و دستمزد خیلی پائین برای کارگران، اشتغال خردسالان و شرایط سخت کاری، بیکاری و از هم پاشیدگی خانواده، عدم تغذیه مناسب و بیماری، نمونه‌هایی متعدد از مسائل پیش روی نظام سرمایه‌داری در آن دوران می‌باشند.

بدون شک نظام سرمایه‌داری، به‌عنوان نظام اقتصادی دوران انقلاب صنعتی روزگار دشواری را می‌گذرانید. و از اوایل دهه ۱۷۰۰ میلادی با یک بحران اقتصادی مزمن دست به‌گریبان بود. لیکن در این دوران به موازات تغییرات بنیادی که در زندگی انسان به وقوع پیوست، اندیشه‌ها، مکتبهای فکری و نظریه‌های اقتصادی جدیدی بوجود آمد، که گرچه هر

\*. دکتر فریدون تفضلی؛ استاد اقتصاد. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی. دانشگاه شهید بهشتی.

یک بنوبه خود سهمی در حل مشکلات عمومی داشت، ولی در اندک مدتی با تحولاتی که در زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه صورت گرفت، اعتبار خود را از دست داد. لیکن باید توجه کرد که در این دوران مانند هر دوره دیگر، در تاریخ علم اقتصاد اندیشه‌ها و افکار اقتصاددانان، چه درست و چه نادرست، در شکل دادن به امور اقتصادی و اجتماعی جهان تأثیر فراوان داشته است. هدف این مقاله بررسی تحلیلی و انتقادی اندیشه‌ها، مکاتب فکری و نظریه‌های اقتصادی جدیدی است که در دوران انقلاب صنعتی شکل گرفت و سعی بر آن داشت تا مسائل اقتصادی و اجتماعی موجود را حل و فصل نماید.

### کلید واژه‌ها:

مرکانتیلیسم، مکتب فیزیوکراسی، مکتب کلاسیک، تقسیم کار، رقابت، اقتصاد طبیعی، نظام بازار، بهره مالکانه، سوسیالیسم تخیلی، اصالت فرد

## مقدمه: چالش مرکانتیلیسم

دکترین‌های مکتب سوداگری یا مرکانتیلیسم<sup>۱</sup> که از اواسط قرن پانزدهم تا میانه‌های قرن هیجدهم در اروپا حاکم بود به مرور زمان با نزدیک شدن به دوران انقلاب صنعتی با مشکلات زیادی روبرو گردید. سوداگران، طلا و نقره را منابع اصلی ثروت اقتصادی می‌دانستند و به همین علت بر تولید کالاهای صادراتی در مبادله با طلا، و محدود کردن واردات تأکید می‌کردند. سیاست تجارت خارجی سوداگران، مبتنی بر فزونی صادرات بر واردات بود که در اقتصاد بین‌الملل اصطلاحاً سیاست «تراز بازرگانی مثبت»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود. آنها از این سیاست به منظور کسب طلا و نقره در جهت تشویق و تسریع توسعه اقتصادی و انباشت ثروت ملی حمایت می‌کردند. در این رابطه می‌توان به دو گروه سوداگران صنعتی و تجارتي اشاره کرد. گروه اول به رهبری کلبر<sup>۳</sup>، وزیر دارایی فرانسه، معتقد بود که برای تحصیل ثروت (طلا و نقره) باید به تقویت صنعت در داخل کشور پرداخت. گروه دوم در انگلستان این فکر را توسعه داد که برای کسب ثروت باید به کار تجارت پرداخت.

در قالب دیدگاه «تجارت بین‌المللی محدود» که تحت نظارت و کنترل دولت قرار داشت و سوداگران از آن حمایت می‌کردند، سیاست «تراز بازرگانی مثبت» سیاستی کاملاً یک طرفه بود، زیرا هرگاه یک کشور از طریق مبادلات بازرگانی با کشور دیگر و یا اعمال سیاست مزبور، طلا به دست بیاورد، کشور دوم باید طلا از دست بدهد. بدین ترتیب، با توجه به اینکه همه کشورها قاعداً هدف ذخیره کردن طلا و نقره را دنبال می‌کردند، در عمل با مشکلات زیادی روبرو شدند که نهایتاً یا کارشان به جنگ می‌کشید و یا فعالیت‌های یکدیگر را خنثی می‌کردند! سوداگران عقیده داشتند که هر

### 1. Mercantilism

### 2. Favorable Balance of Trade

۳. ژان باتیست کلبر (Jean Buptiste Colbert) در طرح خود برای تشویق فعالیت‌های صنعتی و کسب طلا و نقره، دو ابزار سیاست اقتصادی، به دولت، به شرح زیر پیشنهاد نمود:

۱. سیاست حمایتی: صنایع فرانسه باید از طریق قوانین گمرکی و مقررات دولتی مورد حمایت قرار بگیرد.
۲. سیاست حرفه‌ای: صنایع فرانسه باید با تأسیس کارگاه‌های حرفه‌ای و صنعتی، کارگران را با روش‌های فنی

کشور می‌تواند با تداوم سیاست فزونی صادرات بر واردات به اندوختن طلا ادامه دهد. دیوید هیوم، فیلسوف و متفکر بزرگ انگلیسی قرن هیجدهم و یکی از پیشگامان مکتب کلاسیک با ارائه نظریه جدیدی در سال ۱۷۵۲ راه حل این مشکلات را مطرح نمود. در وهله اول، هیوم از «تجارت بین‌المللی محدود» سوداگران انتقاد کرد و معتقد بود که تجارت بین‌المللی باید آزاد شود، در این صورت همه کشورها بطور همزمان طلا از دست نمی‌دهند. در وهله دوم، هیوم متوجه اشتباه موجود در طرز تفکر سوداگران شد و رابطه بین مقدار پول، سطح قیمت‌ها و جریان بین‌المللی حرکت طلا را تشخیص داد. این کار بزرگ هیوم است که بعدها با عنوان «مکانیزم تعادل خود بخود بین‌المللی در جریان پول فلزی» یا به اختصار «مکانیزم هیوم» مشهور گردید.<sup>۱</sup>

براساس «مکانیزم هیوم» کشوری ممکن است در کوتاه‌مدت در وضعیت عدم تعادل بازرگانی خارجی (موازنه مثبت یا موازنه منفی) باشد، لیکن این وضعیت در بلندمدت و در شرایط تجارت بین‌المللی آزاد بدون آنکه براساس نظریه سوداگران منجر به ورشکستگی اقتصادی گردد، قابل جبران و تبدیل به تعادل است. بنابراین، هرگاه تجارت بین‌المللی آزاد باشد، «مکانیزم هیوم» موجب می‌گردد که جریان حرکت طلا همواره خود را با توجه به نیازهای واقعی تجارت تعدیل کرده و با توجه به سیستم پشتوانه طلا برای اسکناس، کشورهای مختلف را به سوی موازنه بازرگانی خارجی بکشاند. از طریق این مکانیزم ورود طلا به کشور خود بخود منجر به خروج طلا خواهد شد و بالعکس. با این روش، هیوم با قبول «نظریه مقداری پول» مکانیزم خود را در شرایط عدم دخالت و کنترل گمرکی دولت بررسی و توجیه نمود.

اشکال دیگر سیاست «تراز بازرگانی مثبت» سوداگران محدودیت اشتغال کامل است، زیرا اجرای این سیاست در حالت اشتغال کامل، سبب بالا رفتن سطح تولید و اشتغال نمی‌شود، بلکه فقط قیمت‌ها را ترقی می‌دهد. سوداگران برای مقابله با افزایش

1. David Hume, *On the Balance of Trade: Essays*, Vol.I, Longram, Green and Company, London, 1912, p.345.

قیمتها سیاست رشد جمعیت و تشویق مهاجرت را توصیه می‌کردند، لیکن برغم این توصیه‌ها، مشاهده می‌کنیم که طی دهه ۱۷۰۰ نظام سوداگری در عمل با مشکلات جدی روبرو می‌شود.

آدام اسمیت، مؤسس مکتب کلاسیک و بنیانگذار علم اقتصاد، مهمترین مشکلات نظام سوداگری را در کتاب «ثروت ملل» بیان می‌کند.<sup>۱</sup> اما در اواسط دهه ۱۷۰۰ (چند دهه قبل از انتشار کتاب «ثروت ملل» اسمیت در سال ۱۷۷۶) تعدادی از فیلسوفان فرانسوی به رهبری دکتر فرانسوا کنه<sup>۲</sup> مکتب فیزیوکراسی<sup>۳</sup> را در فرانسه بنیان نهادند. کنه و پیروان او (فیزیوکراتها)<sup>۴</sup> از دکتترین‌های مکتب سوداگری انتقاد کردند و با تأکید بر «نظام طبیعی»<sup>۵</sup> و مفاهیم آن در یک جامعه اقتصادی آزاد به تبیین فلسفه لیبرالیسم اقتصادی پرداختند.

مرکانتیلیسم یا سوداگری به‌عنوان نظام سرمایه‌داری تجاری اروپا، با توجه به مشکلاتی که مطرح شد، حوالی پایان قرن هیجدهم از صحنه بیرون رفت و اصول اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری کلاسیک با شرایط انقلاب صنعتی و صنایع تولیدی جایگزین آن گردید. انقلاب صنعتی یک سری تحولات تکنیکی ایجاد کرد که در نتیجه آن سیستم استادکار و شاگرد ماهر با استفاده از ابزارآلات در کارگاه تبدیل به سیستم تولید کارخانه‌ای مبتنی بر ماشین‌آلات و نیروی بخار شد. علاوه بر آن، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز تحولاتی بوجود آورد. با توسعه شهرها، طبقه جدیدی به نام «کارگران صنعتی» پدیدار گردید و عامل سرمایه و کارفرمای صنعتی در تأسیس و اداره مؤسسات صنعتی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

محدودیت‌های سوداگران از بین رفت و قوانین مختلف و مقررات جدید که برای صنایع جدید لازم بود، بوجود آمد. به‌عنوان مثال؛ اجتماع کارگران برای بهبود وضع و

1. Adam Smith, *Wealth of Nations*, ed. Edwin Cannon, Modern Library, New York, 1965, Book IV. 2. Francois Quesnay (1694-1774)  
3. Physiocracy 4. Physiocrats  
5. Natural Order

شرایط کار خود ممنوع شد، زیرا تصور می‌شد که طبق نظریه «دست نامرئی» آدام اسمیت، تعقیب منافع فردی، منافع اجتماعی را تأمین خواهد کرد.

علمای مکتب کلاسیک بویژه آدام اسمیت، ژان باتیست سی<sup>۱</sup> و دیوید ریکاردو<sup>۲</sup> نخستین اقتصاددانانی بودند که نظریه «اقتصاد بمثابه یک سیستم» را توسعه دادند. طبق این نظریه، در این سیستم تعدادی قوانین عینی، مستقل از اراده انسان عمل می‌کند. به عقیده آنان، سیاست اقتصادی دولت نباید خلاف جهت این قوانین حرکت کند، بلکه باید با آنها هماهنگ شود.

عملکرد این قوانین، طبق تحلیل اسمیت و سی، قاعداً می‌بایست به یک وضعیت بهینه اجتماعی منجر می‌گشت. وضعیتی که در آن تعادل عمومی در اشتغال کامل رفاه اقتصادی را برای همگان ایجاد می‌کند. لیکن در عمل، چنین نبود و نظام سرمایه‌داری در دوران انقلاب صنعتی در انگلستان با مشکلات اقتصادی و نابسامانی اجتماعی زیادی روبرو شد. در این شرایط، نویسندگان اقتصاد سیاسی کلاسیک از جمله توماس رابرت مالتوس<sup>۳</sup> و همچنین دیوید ریکاردو و تا اندازه‌ای جان استوارت میل<sup>۴</sup> با توجه به مسئله رشد جمعیت در اروپا و بویژه در انگلیس و آثار نامطلوب آن، و برغم تداوم انقلاب صنعتی پیش‌بینی کردند که اقتصاد سرمایه‌داری دچار رکود اقتصادی و بیکاری خواهد شد. این نویسندگان به همراه نمایندگان سوسیالیسم تخیلی، بسیاری از تضادهای جامعه سرمایه‌داری را تحلیل نمودند.

سیسموندی<sup>۵</sup> اقتصاددان سوئیسی از نخستین سوسیالیستهای تخیلی بود که سعی کرد به علل بحرانهای اقتصادی که نظام سرمایه‌داری با آنها دست به‌گریبان بود، پی ببرد. سوسیالیستهای تخیلی بزرگ دیگر مانند پرودون<sup>۶</sup>، سن سیمون<sup>۷</sup>، فوریه<sup>۸</sup>، و

- 
- |                                      |                              |
|--------------------------------------|------------------------------|
| 1. Jean Baptiste Say (1766-1834)     | 2. David Ricardo (1772-1823) |
| 3. Thomas Robert Malthus (1766-1834) |                              |
| 4. John Stuart Mill (1806-1873)      | 5. Sismondi (1773-1842)      |
| 6. Proudhon                          | 7. Saint simon (1760-1824)   |
| 8. Fourier (1772-1837)               |                              |

اوثن<sup>۱</sup> انتقادات عمیقی از جامعه سرمایه‌داری ارائه کردند و نقشه‌هایی برای بازسازی سوسیالیستی آن طرح‌ریزی نمودند. هدف این مقاله، بررسی تحلیلی و انتقادی اندیشه‌ها، مکاتب فکری و نظریه‌های اقتصادی جدیدی است که در دوران انقلاب صنعتی شکل گرفت و سعی بر آن داشت تا مسائل اقتصادی و اجتماعی در این دوران را حل و فصل نماید.

## فیزیوکراتها و مکتب فیزیوکراسی

مکتب فیزیوکراسی با زوال نظام سوداگری در اروپا، توسط دکتر فرانسوا کنه، پزشک شخصی لوئی پانزدهم و فیلسوف معروف فرانسوی، ملقب به کنفوسیوس<sup>۲</sup> اروپا، در سال ۱۷۵۶ در فرانسه بنیان نهاده شد. در همان سال کنه اولین مقاله خود را درباره اقتصاد در «دایرةالمعارف بزرگ» انتشار داد. تاریخ پایان این مکتب سال ۱۷۷۶ - سال انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت - است. گرچه تاریخ رواج این مکتب نسبتاً کوتاه است، ولی به عقیده اکثر بزرگان اقتصاد از جمله جوزف شومپیتر، نفوذ مکتب فیزیوکراسی در عقاید بعدی به خصوص در اندیشه‌های آدام اسمیت بسیار قابل توجه است. شومپیتر مکتب فیزیوکراسی را الهام‌بخش مطالعات اسمیت دانسته و معتقد است که وی در زمینه‌های مختلف از جمله «نظام طبیعی» و «فلسفه اصالت فرد» از این مکتب الهام گرفته است.<sup>۳</sup>

فیزیوکراسی به معنی «قدرت طبیعت» از دو واژه یونانی Physis به مفهوم طبیعت و Kratos به معنی، قدرت، مشتق می‌گردد. یکی از شاگردان و مریدان صمیمی کنه به نام دوپون دونمور<sup>۴</sup> مسلک کنه را «فیزیوکراسی» یا «حکومت نظام طبیعی» نامید. به نظر کنه جامعه شبیه ارگانیسم بدن انسان است و گردش سرمایه و کالا در اقتصاد، به گردش خون در بدن شباهت دارد. در کتاب «جدول اقتصادی» دکتر

1. Owen (1771-1858)

2. Confucius

3. Joseph Schumpeter, History of Economic Analysis, Oxford University Press, New York, 1963, p.184.

4. Dupont de Nemours (1739-1817)

کنه که در سال ۱۷۵۸ انتشار یافت، مفهوم یکپارچگی در نظام اقتصادی به شکل گردش خون در بدن انسان، بیان شد. این مفهوم، مطالعه اقتصادی را هماهنگ با اعتقاد به «نظام طبیعی» در یک راستا قرار داد.

آدام اسمیت یکی از علاقمندان کنه بود که در سال ۱۷۶۶ چند شیئی را در اقامتگاه کنه گذرانید و در جلسات «فرقه کنه» یا «مکتب طرفدار او» شرکت جست. هواداران دیگر دکتر کنه مانند مارکی دومیرابو<sup>۱</sup>، مرسیه دولاریویر<sup>۲</sup>، دوپون دونمور، آبه نیکولاس بُدو<sup>۳</sup> از جمله اعضای این فرقه بودند.

## زمینه‌های اجتماعی مکتب فیزیوکراسی

فیزیوکراسی عکس‌العملی نسبت به مرکانتیلیسم، خصوصیات فنودالیستی نظام اقتصادی فرانسه و مسائل اقتصادی و اجتماعی این کشور در ربع اول قرن هیجدهم بود. لیکن باید توجه کرد که مکتب فیزیوکراسی در عین حال، از تأثیرات نظریات قرون وسطایی حاکم بر اجتماع آن روز فرانسه فارغ نبود.

در آن دوران، اقتصاد فرانسه تحت تأثیر مقررات و کنترل سخت دولتی قرار گرفته بود. این مقررات آنچنان شدید بود که حتی مقدار مواد اولیه لازم برای تولید یک واحد از هر کالا را تعیین می‌کرد. به همین علت و همچنین محدودیتهای دیگر از قبیل مالیات و حقوق گمرکی توسعه صنایع فرانسه به کندی صورت می‌گرفت. تجارت هم با موانعی زیادی روبرو بود. بطور مثال؛ صدور غله از فرانسه کاملاً ممنوع بود. «این خود یک خصوصیت فنودالیست بود که به جای توجه بیشتر به مبادله بازرگانی و قیمت غلات، به حجم تولید آن در داخل توجه می‌شد.»<sup>۴</sup>

کشاورزی فرانسه بر اثر شرایطی که از طرف نجبای زمین‌دار وضع شده بود با

1. Marquis de Mirabeau (1715-1789)

2. Mercier de la Riviere

3. Abbe Nicholas Baudeau

۴. فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر، ویراست دوم، چاپ سوم (تهران، نشر نی، ۱۳۸۱)، ص ۷۲.



دشواریهای زیادی مواجه بود. کشاورزان فرانسوی مجبور به پرداخت مالیاتهای سنگین نسبت به زمین، و فروش حاصل از آن بودند، در حالیکه روحانیون و نجبا از پرداخت مالیات معاف بودند. در مجموع، جامعه فرانسه یک جامعه طبقاتی بود که در آن شکاف درآمدی محسوس بود، به این دلیل که مخارج دربار فرانسه و همچنین مخارج دولت برای امور داخلی و جنگهای ناموفق مستعمراتی بسیار سنگین بوده و این مخارج به اضافه مخارج کلیسا و روحانیون، بر طبقات کشاورز، کارگر و کسبه خردهفروش تحمیل می‌شد.

سیستم تقسیم مشاغل به اصناف مختلف که بازمانده قرون وسطی بود، در فرانسه نسبت به انگلستان دوام بیشتری پیدا کرده بود. در این سیستم کار و شغل در چارچوب معینی محدود بود بطوریکه تا سال ۱۷۸۰، ورود آزاد کارگران به مشاغل مخصوص و تولید کالاهای معین ممنوع بود. این محدودیت مشکلات زیادی برای بازار کار فرانسه ایجاد کرده بود.

این وضعیت آنچنان ادامه یافت تا سرانجام مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور کار را به انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۹۴-۱۷۸۹) کشانید. پیش از این انقلاب بزرگ، دکتر کنه و بیروان او پیشنهادات تازه‌ای به منظور بهبود اوضاع اقتصادی و همچنین اصلاح وضع کشاورزی و غیره داده بودند که در تاریخ اقتصادی و اجتماعی فرانسه به «انقلاب از بالا» معروف است، ولی در عمل مؤثر واقع نشد. «اگر در چنین شرایطی، ارباب علم و دانش (از جمله دکتر کنه) توجه خود را بیش از هر چیز معطوف به اصلاح و بهبود وضع کشاورزی و کشاورزان نمودند و برخلاف سوداگران، زمین را منبع اصلی ثروت و قدرت دانستند، شگفت‌آور نیست»<sup>۱</sup>

۱. لوئی بدن، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی، (تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۵۰)، ص

## اصول مکتب فیزیوکراسی

در قالب اصول مکتب فیزیوکراسی به ترتیب اولویت به پنج اصل مهم نگاه می‌کنیم.

۱. **نظام طبیعی:** جهان بینی فیزیوکراسی بر پایه تفکر و نظریه نظام طبیعی استوار است. به نظر کنه، همانطور که کار علوم کشف قوانین طبیعی حاکم بر روابط بین پدیده‌های طبیعی است، در قلمرو اقتصاد نیز کار اقتصاددانان کشف قوانین طبیعی حاکم بر روابط بین پدیده‌های اقتصادی است. از نظر کنه، قانون طبیعی مهم در جوامع انسانی، حق آزادی فرد در تعقیب منافع شخصی خود؛ بهره‌مند شدن از نتیجه کارش و نیز هماهنگی و سازگاری منافع و حقوق او با منافع و حقوق اجتماع است. کنه از عملکرد این قانون طبیعی نتیجه گرفت که دولت در اقتصاد باید وظایف خود را فقط در حدود و حفظ زندگی و دارایی افراد و تأمین آزادی کسب و کار انجام دهد و نباید در امور اقتصادی آنها دخالت کند. در مجموع، کنه و پیروان او با طرفداری از «نظام طبیعی»، با سوداگران به مخالف برخاستند و اینطور استدلال کردند که سیاست «تراز بازرگانی مثبت» ممکن است در عمل منجر به اختلافات بزرگ میان کشورها شود؛ در حالیکه صلح میان ملتها، حالت طبیعی روابط است و برای حفظ آن باید کوشید.

۲. **آزادی کسب و کار و مبادله:** ونسان دو گورنه<sup>۱</sup> اولین اقتصاددانی است که در تاریخ عقاید اقتصادی در دوران فیزیوکراسی از «آزادی عمل»<sup>۲</sup> به معنی «آزادی کسب و کار» و «آزادی عبور»<sup>۳</sup> به معنی «آزادی مبادله» صحبت می‌کند. این دو مورد؛ یعنی آزادی کسب و کار در داخل کشور و آزادی تجارت با خارج از کشور، اساس و پایه نظریه فیزیوکراتها برای فعالیتهای اقتصادی شناخته شد. کنه بعداً از این دو شعار اقتصادی الهام گرفت و از آنها در جهت تبیین فلسفه لیبرالیسم اقتصادی استفاده نمود.

اگرچه گورنه با کنه آشنا شد و در جلسات «فرقه کنه» شرکت جست و به بحث

1. Vincent de Gournay  
3. Laissez - Passer

2. Laissez-Faire

پیرامون مسائل اقتصادی پرداخت، ولی غالباً از او به‌عنوان بنیانگذار یک مکتب غیرفیزیوکرات حامی تجارت آزاد نام برده می‌شود که پیروان خاص خود را مانند تورگو<sup>۱</sup>، مورلت<sup>۲</sup> و ترودین<sup>۳</sup> پیدا کرده‌بود. برخلاف سایر فیزیوکراتها که به نام کنه سوگند یاد می‌کردند، تورگو، استاد دیگری به نام گورنه داشت.

**۳. فلسفه لیبرالیسم اقتصادی:** کنه و پیروان او استدلال می‌کنند که از اجرای قوانین طبیعی، یک نظام طبیعی بوجود می‌آید که نه تنها منطقی و عقلایی است بلکه به صلاح جامعه می‌باشد. در این رابطه کنه می‌نویسد: «... همه افراد و قدرتهای انسانی باید بدون تردید از قوانین طبیعی پیروی کنند. قانون طبیعی جریان منظم هر واقعه طبیعی است که نظم طبیعی را بوجود آورده‌باشد. بدیهی است که این جریان از هر ترتیب دیگری برای بشر مفیدتر و پرثمرتر است. مقصود از قانون طبیعی بهترین، قواعد اخلاقی مربوط به رفتار و کردار بشری است، که با نظام طبیعی - که از هر نظام دیگری برای بشر سودمندتر است - موافق باشد...»<sup>۴</sup> بدین ترتیب، برحسب استدلال کنه قوانین طبیعی بهترین قوانین ممکن و متصور برای رفاه جامعه بشری است. از این‌رو، عملکرد انسان آزاد که طبعاً از منافع شخصی خود پیروی می‌کند باعث می‌شود که یک نظم طبیعی که ناشی از آزادی اقتصادی و رقابت است در جامعه بوجود آید، بطوریکه افراد جامعه را متقابلاً به رعایت حال یکدیگر ترغیب نماید.

در این چارچوب فکری، استدلال کنه و پیروان او به فلسفه «اصالت فرد» یا «لیبرالیسم» منتهی می‌شود. براساس این فلسفه، جامعه باید کاملاً از آزادیهای فردی و اقتصادی برخوردار باشد تا هر فرد بتواند براساس انگیزه منافع شخصی، اهداف خود را دنبال کند. نتیجتاً اگر دولت مردم را در کارشان آزاد بگذارد و به آنها «آزادی کسب و کار و مبادله» بدهد تا به دنبال منافع شخصی خود بروند، در جامعه حرکتی دائمی برای فعالیت اقتصادی؛ به منظور افزایش ثروت ملی و ایجاد رفاه همگانی بوجود خواهد آمد.

1. Turgot (1727-1781)

2. Morellet

3. Trudiane

4. Henry Higgs, *The Physiocrats*, Macmillan Co., New York, 1971, p.127.

این نوع لیبرالیسم فلسفی تدریجاً نحوه تفکر سیاسی را تحت تأثیر قرار داد و در دوره بعدی الهام‌بخش عقاید آدام اسمیت شد.

**۴. اهمیت کشاورزی:** تا قبل از انقلاب صنعتی به علت پائین بودن قدرت تولید صنایع دستی در فرانسه، صنعت عقیم بود. در مقایسه کشاورزی با وجود روشهای ابتدایی تولید، می‌توانست بازده نسبتاً بالایی داشته‌باشد؛ بطوریکه منجر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مجدد در بخش کشاورزی و در نتیجه افزایش آهنگ رشد اقتصادی گردد.

بنابراین، با توجه به اینکه کهنه و پیروان او محصولات کشاورزی را ساخته طبیعت و کالاهای صنعتی را ساخته انسان می‌دانستند، این فکر قدیمی سوداگران را که تنها تجارت مولد ثروت است، کنار زدند و تولید و آن هم تولید کشاورزی را به‌عنوان عامل مولد ثروت مورد تأکید قرار دادند. بنابراین، از نظر آنها نیروی کاری که در مشاغل کشاورزی به کار اشتغال دارد، مولد محسوب می‌شود و ثروت شامل کالاهایی می‌گردد که به کمک طبیعت در صنایع اصلی مانند کشاورزی، معادن و ماهیگیری بدست می‌آید.

جامعه اقتصادی کهنه از سه طبقه کشاورز، صنعتگر و مالک تشکیل می‌شود. ماهیت هر یک از این طبقات و نقش آنها در اقتصاد نسبت به ایجاد آنچه که فیزیوکراتها «محصول خالص» می‌نامند ارزیابی می‌شود. یک طبقه تنها در صورتی مولد است که قادر به ایجاد «محصول خالص» باشد؛ بدین معنی که بتواند محصولی بیشتر از احتیاجات معیشتی و ذخیره استهلاک سرمایه خود تولید کند. فیزیوکراتها از جمله کهنه استدلال می‌کردند که چون فقط بخش کشاورزی قادر به ایجاد «محصول خالص» است، تنها طبقه کشاورز طبقه مولد ثروت است و طبقات دیگر جامعه مانند طبقات صنعتگر و مالک «عقیم» هستند.<sup>۱</sup>

۱. البته ناگفته نماند که گورنه در مقایسه با کهنه و دیگر پیروان او موضعی متفاوت داشت و صنعت را جزئی از منابع ثروت به حساب می‌آورد.

محصولی که توسط طبقه صنعتگر تولید می‌گردد، هرچند دارای ارزشی بیشتر از مواد اولیه‌ای است که در آن بکار رفته، ولی این ارزش اضافی معادل با نیروی کاری است که در جریان تولید مورد استفاده قرار گرفته‌است. بنابراین، از نظر کنه هیچگونه «مازاد تولیدی» از طریق فعالیت این طبقه بوجود نمی‌آید و به همین دلیل طبقه صنعتگر عقیم است.

حتی آدام اسمیت که با نظر کنه - مبنی بر اینکه تنها نیروی کار کشاورزی، مولد محسوب می‌شود، مخالف است - تلویحاً معتقد است که «... زمین بطور ذاتی منبع برتر مازاد تولیدی است، به این علت که در کشاورزی، طبیعت با انسان کار می‌کند.»<sup>۱</sup> بدین ترتیب، مواهب طبیعت با کمک نیروی کار کشاورزی به صورت محصول کشاورزی ظاهر می‌گردد - محصولی که مازاد بر نیازمندیهای معیشتی و ذخیره استهلاک طبقه کشاورز بدست می‌آید که این مازاد، «محصول خالص» خوانده می‌شود. هرچند کشاورزان و دیگر کارگرانی که در صنایع اصلی مشغول کار می‌باشند جزئی از طبقه مولد به حساب می‌آیند، لیکن باید توجه کنیم که «... در واقع آنچه مبنای مازاد تولید را تشکیل می‌دهد، زمین است و نیروی کار به نسبتی کمتر از زمین منشأ این مازاد می‌باشد.»<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، «... زمین است که از یک دانه گندم، چندین دانه گندم، و از یک کیلو سیب‌زمینی، چندین کیلو سیب‌زمینی بوجود می‌آورد.»<sup>۳</sup>

وضع مالکان در طبقه‌بندی اجتماعی کنه چندان مشخص نیست و در این مورد بین فیزیوکراتها اتفاق نظر وجود ندارد. دکتر کنه در گوشه‌ای از در کتاب خود مالکان را عقیم می‌داند و می‌گوید که این افراد بطور مستقیم در تولید مواد اولیه شرکت ندارند. در جای دیگر، مالکان را تا حدودی مولد می‌داند، زیرا این افراد با تعویض خاک

1. Ronald L. Meek, "Physiocracy and Classicism in Britain," In *Readings in The History of Economic Theory*, ed. Ingrid H. Rima, Holt, Rinehart and Wiston, Inc., New York, 1970, p.48.

۲. فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر، ص ۷۳.

۳. علی‌اکبر مدنی، تاریخچه تحولات عقاید اقتصادی: از عهد باستان تا به زمان حاضر. (تهران، انتشارات

زمینهای کشاورزی، باعث بهبود دائمی کشت می‌شوند و بدینسان وظایف لازم دولت را انجام می‌دهند.<sup>۱</sup> از طرفی، مرسیه دو لاریویر و آبه بُدو، دو تن از پیروان سرسخت‌تر کنه معتقد هستند که مالکان مولد می‌باشند؛ زیرا آنها و یا حتی اجداد آنها با تقبل هزینه اول تسطیح و زهکشی زمین حق ادعای محصول را دارند که مقدم بر تلاشهای کشت‌کنندگان زمین است.

فیزیوکراتها فعالیت صنعتگران را مهمتر از فعالیت بازرگانان می‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند که این افراد به مواد اولیه‌ای که خود تولید می‌کنند ارزشی می‌افزایند که در نتیجه درآمد آنها معادل این ارزشها می‌شود. در این صورت، آنها درآمد مشروعی در دست دارند که می‌توانند، در مقابل، محصولات کشاورزی را خریداری نمایند. حضور این افراد در فعالیتهای اقتصادی به منظور تحکیم «قیمت مناسب»<sup>۲</sup> برای محصولات کشاورزی ضروری است. بنابراین، روشن است که صنعت در صورتی مطلوب است که منجر به کاهش «مزاد کشاورزی» و یا جلوگیری از رشد سرمایه کشاورزی نشود.

۵. **جریان ثروت**: دکتر کنه جریان ثروت را در جامعه به جریان خون در بدن انسان تشبیه می‌کند و «نظام طبیعی» را قلب آن می‌داند و برای اولین بار در علم اقتصاد این موضوع را در کتاب «جدول اقتصادی»<sup>۳</sup> خود مورد بررسی قرار می‌دهد. روش بررسی کنه در «جدول اقتصادی» به‌عنوان جدول نمایش گردش پولی تولید و ثروت در یک اقتصاد آزاد روش «اقتصاد کلی» است که بعداً الهام‌بخش مطالعات اقتصاددانان بعدی؛ مانند آدام اسمیت<sup>۴</sup>، کارل مارکس<sup>۵</sup> و جان مینارد کینز<sup>۶</sup> گردید. در «جدول اقتصادی» از نظر کنه تنها کشاورزان مولد هستند و می‌توانند

۱. در کشاورزی پدیدۀ تعویض خاک زمین، به منظور بهبود کشت کشاورزی اصطلاحاً «رتواسیون» (Rotation) خوانده می‌شود.

2. Bon Prix

3. Francois Quesnay, *Tableau Economique*, ed. M. Kuijynski and Ronald L. Meek, George and Allen and Unwin, London, 1972, pp.49-62.

4. Adam Smith (1723-1790)

5. Karl Marx (1818-1883)

6. John Maynard Keynes (1883-1946)

«محصول خالص» یا «درآمد خالص» ایجاد کنند که به صورت «بهره مالکانه» یا «رانت زمین» به طبقه مالک می‌پردازند. از نظر کنه ارزش «محصول اضافی» که کشاورزان به مالکان زمین می‌پردازند، مصرف مواد کشاورزی آنها و طبقات عقیم (صنعتگران و بازرگانان) را که در مشاغل کشاورزی نیستند، تأمین می‌کند.

فرض کنیم که کشاورزان سالیانه محصولات کشاورزی به ارزش پنج میلیارد فرانک تولید کنند. از این مبلغ دو میلیارد فرانک از گردش خارج می‌شود، زیرا یک میلیارد به مصرف خود کشاورزان می‌رسد و یک میلیارد دیگر به صورت علوفه و بذر برای تجدید سرمایه (سرمایه‌گذاری مجدد) بکار می‌رود. سه میلیارد باقیمانده، ارزش «محصول اضافی» یا «درآمد خالص» کشاورزی محسوب می‌شود. کشاورزان این محصول باقیمانده را می‌فروشند و دو میلیارد فرانک آن را بابت «بهره مالکانه» به صاحبان زمین می‌پردازند. مالکان زمین یک میلیارد از دو میلیارد «بهره مالکانه» خود را بابت خرید کالاهای کشاورزی، دوباره به کشاورزان باز می‌گردانند و یک میلیارد دیگر را به طبقات عقیم برای کالاهای ساخته شده صنعتی می‌پردازند؛ حال کشاورزان باقیمانده درآمد خود را که دو میلیارد است برای خرید کالاهای ساخته شده صنعتی از طبقات عقیم مصرف می‌کنند. به این ترتیب، طبقات عقیم صاحب دو میلیارد فرانک درآمد می‌شوند که آن را به مصرف خرید مواد خام و محصولات کشاورزی که توسط کشاورزان عرضه می‌شود، می‌رسانند. این دور پرداختها یا گردش پولی ثروت، هر سال مانند جریان خون در بدن انسان همچنان ادامه دارد.

## پیشنهادات کنه و پیروان او برای اصلاحات اقتصادی

حال که اصول مکتب فیزیوکراسی را مرور کرده‌ایم، جا دارد که به پیشنهادات کنه و پیروان او برای اصلاحات اقتصادی و همچنین اصلاح وضع کشاورزی و غیره که مکمل بحثهای قبلی او می‌باشد، نگاه کنیم.

۱. اصلاح نظام مالیاتی: از نظر کنه چون زمین قادر است سالانه مازادی به نام

«محصول خالص» ایجاد کند، لذا باید به این محصول و صاحبان آن یعنی مالکان، مالیات تعلق گیرد. باتوجه به اینکه قیمت عرضه سرانه کارگر شاغل در بخش کشاورزی از ارزش تولید سرانه کارگر در این بخش تجاوز نمی‌کند، کارگران شاغل در این بخش قادر به تحمل مالیات نیستند. کهنه و سایر فیزیوکراتها معتقد بودند که هرگونه مالیاتی که بر این افراد تحمیل شود، در نهایت به «محصول خالص» منتقل خواهد شد.

در اینجا مفهوم ساده نظریه انتقال مالیات روبرو هستیم. در شرایطی که کهنه از آن صحبت می‌کند انتقال مالیات بر این مبنا استوار است که هرگاه مالیات بر طبقه کشاورز یا طبقه عقیم (= صنعتگر) تحمیل شود، در این صورت منجر به کاهش «محصول خالص» خواهد شد. اگر مالیات بر طبقه کشاورز تحمیل شود، قطعاً منجر به کاهش توانایی کشاورزان در تأمین مالی برای محصول سال بعد می‌شود و در نتیجه «محصول خالص» سال بعد نیز کاهش خواهد یافت. همچنین اگر مالیات بر طبقه عقیم تحمیل گردد، در این صورت موجب خواهد شد تا مقدار خرید آنها از طبقه کشاورز کاهش پذیرد و این امر منجر به کاهش «محصول خالص» خواهد شد.

بنابراین، همانگونه که قبلاً گفته شد، تنها طبقه مالک باید بار مالیاتی را تحمل کند و تمامی مالکین، چه اربابان فئودال و چه روحانیون و غیره، نسبت به سهمی که در «محصول خالص» در بخش کشاورزی دارند باید این مالیات را بپردازند. این پیشنهاد مخالفت زیادی را برانگیخت به این دلیل که این نوع مالیات نه تنها بار مالیاتی جدیدی به طبقات معاف از مالیات تحمیل می‌کرد، بلکه همچنین نظام طبقاتی کشور فرانسه را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد.

**۲. اصلاح وضع کشاورزی:** دکتر کهنه کمبود سرمایه و پایین بودن بازدهی نیروی کار را علت اصلی انحطاط کشاورزی فرانسه می‌دانست و بر این اساس پیشنهاد کرد که در فعالیتهای کشاورزی باید بیشتر از روشهای سرمایه‌داری استفاده نمود. چون طی آن دوران در فرانسه زمین در بسیاری از نقاط این کشور تقسیم شده بود (بطوریکه هر کشاورز در سطح بسیار کوچکی با حداقل سرمایه فعالیت می‌کرد)، بنابراین شرایط



برای بدست آوردن محصول کافی فراهم نبود. به همین علت کنه و پیروان او پیشنهاد کردند که برای افزایش در میزان بازدهی تولید در کشاورزی ظرفیت واحدهای تولید باید توسعه یابد و بدین ترتیب با افزایش حجم سرمایه گذاری روشهای جدیدی برای افزایش تولید اجرا شود.

۳. **اصلاح وضع تجارت:** کنه و پیروان او با بازرگانی بین الملل که قیمت کالاهای کشاورزی را در سطح بالاتری تضمین کند موافق بودند. برای رسیدن به این هدف، صادرات مواد مازاد بر نیازمندیهای داخلی ضروری است، زیرا هرچه صادرات کشور افزایش یابد بهای کالا در داخل کشور افزایش می یابد و هرچه نرخ کالا بالا رود، بر ثروت کشاورزان افزوده خواهد شد.

## کلاسیکها و مکتب کلاسیک

مکتب کلاسیک با تز لیبرالیسم اقتصادی و براساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی، در سال ۱۷۷۶ در انگلستان بنیان نهاده شد. آدام اسمیت دانشمند اسکاتلندی الاصل انگلیسی در این سال کتاب بزرگ خود را تحت عنوان «پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل» انتشار داد. با این کتاب او به عنوان بنیانگذار علم اقتصاد و مؤسس مکتب کلاسیک شناخته شد. کتاب اسمیت جامعترین کتابی است که تا آن زمان راجع به سازمانهای اقتصادی نوشته شده بود و ضمناً، اولین کتابی است که در قرن هیجدهم میلادی با روشی نو و بیانی علمی در علم اقتصاد نوشته شده است. تاریخ پایان مکتب کلاسیک سال ۱۸۷۱ است که ویلیام استانلی جونز<sup>۱</sup>، کارل منگر<sup>۲</sup> و لئون والراس<sup>۳</sup> هر سه با تأکید بر اهمیت و اصالت مطلوبیت، مکتب نئوکلاسیک را پایه گذاری کردند.

کتاب ثروت ملل اسمیت از ابتدا تا انتها به مداخلات دولت ناشی از عقاید

1. William Stanley Jevons (1840-1920)

2. Carl Menger (1840-1920)

3. Leon Walras (1844-1910)

سوداگران در جریان رقابت آزاد و وضع مقررات حمله می‌کند. مانند فیزیوکرات‌ها که تحت تأثیر «نظام طبیعی» قرار گرفته بودند اسمیت معتقد به وجود نظم و هماهنگی در دنیای حقیقی بود. اگر رقابت آزاد عمل کند، دست نامرئی، جامعه را به سوی کمال سوق می‌دهد. وی مدافع طبقات محروم بود و نه مؤسسات تجاری بزرگ. نظریات اسمیت، شایسته شرح مبسوطتری است که بعد از بررسی زمینه‌های اجتماعی مکتب کلاسیک به آن می‌پردازیم.

### زمینه‌های اجتماعی مکتب کلاسیک

در قرن هفدهم، انگلستان از نظر تجارت از هلند و به لحاظ میزان تولیدات صنعتی، از فرانسه عقبتر بود. ولی در نیمه قرن هیجدهم انگلستان از نظر تجارت و صنعت در جهان آن روز مقام اول را بدست آورد، به این دلیل که انگلستان در این دوران به علت وقوع انقلاب صنعتی در این کشور و گسترش صنایع مختلف در آستانه مرحله «خیز» یا «جهش اقتصادی» روستو<sup>۱</sup> قرار گرفته بود. در سال ۱۷۷۶ انگلستان به علت دستاوردهای انقلاب صنعتی به آنچنان قدرت تولیدی و صنعتی رسیده بود که می‌توانست بدون هراس از رقابت دیگران به بازرگانی آزاد بین‌المللی دست بزند. همچنین به علت توسعه اقتصادی، کارفرمایان تولیدی، مدیران و واسطه‌های کسب و کار، آنقدر توان اقتصادی بدست آورده بودند که می‌توانستند بدون نیاز به کمک دولت تحصیل امتیازات انحصاری و حمایت گمرکی روی پای خود بایستند.

قبل از آنکه اصول و عقاید کلاسیک بصورت قوانین غیرقابل تغییر و مطلق

۱. والت ویتمن روستو (Walt Whitman Rostow) اقتصاددان معاصر آمریکایی «مکتب تاریخی» است که در کتاب خود با عنوان «مراحل رشد اقتصادی» می‌نویسد: همه کشورها برای رسیدن به مرحله کمان پیشرفت اقتصادی لازم است که از پنج مرحله عبور کنند. این مراحل عبارتند از: ۱. مرحله جامعه سنتی؛ ۲. مرحله ماقبل خیز یا جهش اقتصادی؛ ۳. مرحله خیز یا جهش اقتصادی؛ ۴. مرحله بلوغ اقتصادی؛ و ۵. مرحله مصرف انبوه. برای بررسی ویژگیها و شرایط هر کدام از این مراحل به کتاب زیر مراجعه کنید.

Walt W. Rostow, *The Stages of Economic Growth*, Cambridge University Press, Cambridge, 1961.

اقتصادی درآید و جنبه کلی پیدا کند، در انگلستان قرن‌ها محاکم مخصوص، برحسب مقرراتی که دولتهای ملی و محلی سوداگری برای کار وضع کرده بودند، دستمزد کارگران و حداقل آن را تعیین می‌کردند.

لیکن باتوسعه صنعتی در کشور و احتیاج به کارگر کم‌مزد همه این مقررات یکباره از بین رفت و شیوه تعیین دستمزد به وسیله محاکم در سال ۱۷۶۲، رسماً ملغی شد و از آن به بعد، دیگر انگیزه‌های اقتصاد بازار، سرنوشت مزد کارگران را به دست گرفت.

از طرف دیگر، فشار و کشش صنعت به اندازه‌ای بود که نظام کار و روش و مناسبات تولیدی را که طی قرون متمادی بر پایه‌های معین استوار بود فروپاشید. بطور مثال؛ کشاورزانی که در شرایط اقتصاد فنودالی (و بعداً سوداگری و فیزیوکراسی) اجاره‌دار زمینهای کشاورزی بودند، به کارخانه‌ها کشیده شدند تا برای تولید محصولات صنعتی تلاش کنند. حتی بسیاری از صاحبان زمینهای کوچک و کشاورزان مزدبگیر که موقتاً برای کار کوتاه‌مدت زمستانی به شهرها آمدند، مجدداً به زمینهای خود و ادامه کار کشت بازنگشتند و برای همیشه به صورت کارگران مزدبگیر درآمدند.

باتوجه به قدمت طولانی انقلاب صنعتی در انگلستان که از ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ به طول انجامید، آهنگ رشد جمعیت بالا گرفت و از مرگ و میر کاسته شد و جمعیت و نیروی کار جویای کار رو به فزونی نهاد، خصوصاً که در این دوران خردسالان نیز به کار گرفته شدند و بعضاً افراد دیگری مانند دهقانهای ورشکسته ایرلندی که به علت قحطی سال ۱۷۹۸ ایرلند به انگلستان آمده بودند نیز به جمع کارگران مزدبگیر درآمدند. در این شرایط، دیگر اقدامات دولت برای پایین نگاهداشتن دستمزد کارگران ضروری نبود، بلکه اصل آزادی کسب و کار همه کارها از جمله حداقل مزد کارگران را تعیین می‌کرد و در عین حال این کارگران بودند که نومیدانه می‌کوشیدند تا دولتها را به تعیین حداقل دستمزد تشویق کنند.

نکته آخر که در اینجا لازم به ذکر است، این است که در انگلستان قرن هیجدهم

هنوز برخی از سنتهای زیردست پروری فئودالی که معطوف و متوجه استعانت بینوایان و فقیران بود در اجتماع مشاهده می‌شد، ولی فرایند توسعه صنعتی این سنتها را از بین برد و ترحم و کمک به بینوایان جای خود را به روابط خشک و خشن غیرشخصی صنعتی داد. قبل از انقلاب صنعتی برحسب سنت موجود یکی از وظایف هر حوزه کلیسا کمک به تهیدستان بود، ولی انقلاب صنعتی و تحولات بعد از آن موجب شد که کلیسا دیگر این وظیفه را انجام ندهد.<sup>۱</sup>

### آدام اسمیت و کتاب ثروت ملل

کتاب ثروت ملل بلافاصله پس از انتشار در سال ۱۷۷۶ شهرت بسیاری برای آدام اسمیت ایجاد کرد - شهرتی که همیشه پابرجا مانده‌است. اسمیت در این کتاب مقولات زیادی را در علم اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دهد: از آزادی کسب و کار و رقابت برای عملکرد «دست نامرئی» دفاع می‌کند. در مورد مزیت تقسیم کار، بهره‌وری و تجارت بحث می‌کند. ضمناً تحلیلی خوشبینانه از عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری آزاد ارائه می‌نماید.

### آزادی کسب و کار و رقابت

در قالب تز لیبرالیسم اقتصادی آدام اسمیت از «آزادی کسب و کار» و «عدم مداخله دولت» در امور اقتصادی، قاطعانه حمایت می‌کند. «آزادی کسب و کار» و «عدم مداخله دولت» از شرایط اولیه اسمیت برای عملکرد یک اقتصاد آزاد و رقابتی است. از نظر اسمیت دولتها بطور کلی فاسد، ضعیف و مسرف بوده و به زیان جامعه خرج می‌کنند. در این شرایط با محترم شمردن مالکیت خصوصی و اصالت فرد، محرک اصلی فعالیت اقتصادی هر فرد منافع شخصی اوست. براساس این انگیزه هر فرد در

۱. در این رابطه به کتاب زیر مراجعه کنید:

حسن وحیدی. تاریخ عقاید اقتصادی. جلد اول. تهران. انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۵۶. صص ۹۵-۹۴.

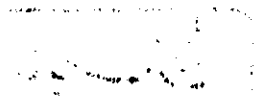
## نمایه‌سازی شد

جامعه سعی می‌کند تا منافع شخصی خود را به حداکثر برساند و بدین منظور سرمایه و نیروی انسانی خود را به بهترین وجه بکار می‌برد، بدون آنکه متوجه باشد که عمل او برای جامعه نیز مفید است. به عقیده اسمیت اگر افراد در تعقیب و پیروی از منافع شخصی خود آزاد گذاشته شوند، بدون آنکه خود بخواهند، منافع اجتماع را نیز برآورده می‌سازند. بنابراین، در یک اقتصاد آزاد رقابتی، تأمین منافع شخصی از طریق یک «دست نامرئی» منجر به تأمین منافع اجتماعی می‌گردد. مفهوم «دست نامرئی» عملکرد آزاد نیروهای عرضه و تقاضا در بازارهای رقابتی است.

بدین ترتیب، اسمیت با هرگونه هدایت اقتصادی از جانب دولت مخالف بوده و معتقد است دولت در تسلط بر پدیده‌های پیچیده و دشوار اجتماعی، کارایی لازم را ندارد. در نتیجه، اشخاص باید در کسب و کار داخلی آزاد باشند و این آزادی در تجارت خارجی نیز برقرار باشد. دفاع اسمیت از آزادی کسب و کار و هماهنگی منافع شخصی با منافع اجتماعی و آزادی بازرگانی بین‌الملل را می‌توان از جمله زیر که در کتاب ثروت ملل آمده است درک نمود:

«این خیرخواهی و نیک‌اندیشی قصاب و نانوا و... نیست که شام ما را مهیا می‌کند، بلکه تنها منافع شخصی آنهاست که فراهم‌کننده غذای ماست.»<sup>۱</sup>

اسمیت بر نقش ضروری رقابت در کسب و کار تأکید می‌کند و معتقد است که رقابت، جامعه را در مقابل فروشندگان یا خریداران انحصاری حفظ خواهد کرد. به عبارت دیگر، در جریان فعالیتهای اقتصادی ممکن است افرادی پیدا شوند که منافع عمومی را فدای منافع شخصی خود نمایند و به منافع جامعه لطمه وارد کنند، ولی اگر در کسب و کار رقابت وجود داشته باشد، این نوع رفتار غیرممکن است و این قبیل افراد با مانع مواجه می‌شوند. اسمیت معتقد است که رقابت در کسب و کار مانع از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها می‌گردد و از تمرکز ثروت نیز جلوگیری می‌کند.



## تقسیم کار، بهره‌وری و تجارت

به عقیده اسمیت، هدف طبیعی فعالیتهای اقتصادی در هر جامعه افزایش ثروت ملی است. ثروت از طریق تولید تأمین و امر تولید بوسیله کار و فعالیت امکان پذیر می‌گردد. اسمیت به مسئله تولید و نقش فرد در آن توجه خاص مبذول داشته و برخلاف سوداگران ثروت را انباشت طلا و نقره نمی‌داند؛ بلکه آن را افزایش دائمی تولید ملی تلقی می‌کند.

برخلاف نظر فیزیوکراتها که زمین را منبع ثروت می‌دانستند، اسمیت استدلال می‌کند که «انرژی و قدرت نیروی انسانی» منبع اساسی ثروت اقتصادی است: «نیروی کار سالانه هر ملت، منبعی است که اساساً تمام احتیاجات و وسایل رفاه جامعه را که سالانه مصرف می‌شود عرضه می‌کند و همواره شامل تولید مستقیم کارگران و یا کالاهایی است که در ازای آن تولیدات از خارج خریداری می‌شود»<sup>۱</sup>

بنابراین، از نظر اسمیت کار عامل اولیه ثروت است زیرا زمین و سرمایه بدون همکاری نیروی کار قادر به تولید نیستند، ولی برای تأمین دوام و استمرار حاصل کار و اخذ نتیجه بیشتر و بهتر از آن، نیاز به سرمایه احساس می‌شود. که از طریق پس انداز یا امساک در مصرف، قسمتی از حاصل کار قبلی بدست می‌آید. در این رابطه، اگر برخی ملل دنیا در سرزمینهای غنی و ثروتمند (مانند ملت چین در قرن هفدهم) تهیدست و فقیر هستند و اگر بعضی دیگر (مانند ملت هلند در قرن هفدهم) با وجود شرایط بسیار دشوار طبیعی به درجات بالای ثروت و رفاه نایل آمده‌اند، تفاوت آنها را باید در عامل کار جستجو کرد.

اسمیت بین کار مولد که تولید را بالا می‌برد و کار غیرمولد که چنین نیست تفاوت قائل است. به نظر اسمیت، کار مولد کاریست که صرف تولید «کالای قابل لمس» و یا کالاهای قابل خرید و فروش می‌گردد: مانند کار صنعتگران، کشاورزان، کارخانه‌داران و غیره. در مقابل، کار غیرمولد کار خدماتی است: مانند کار سربازان،

1. *Ibid.*, Introduction, P.LVii.

وکلائی دعاوی، پزشکان، هنرمندان و غیره.

هر قدر حاصل کار یک ملت در امر تولید در مقایسه با تعداد افراد آن ملت بیشتر باشد، جامعه مزبور ثروتمندتر تلقی می‌شود. علت این امر را باید در بهره‌وری بیشتر کار در آن جامعه جستجو کرد. عامل و علت این بهره‌وری بالاتر، تقسیم کار است. کار منبع همه ارزشهاست و تقسیم کار و ماشینی شدن آن در داخل کارخانه، میزان تولید را افزایش می‌دهد. آدام اسمیت تقسیم کار را عامل اصلی افزایش بهره‌وری می‌داند. از سوی دیگر، تقسیم کار، به دامنه و وسعت بازار محدود می‌گردد. هر قدر بازار وسیعتر باشد، تخصص در کار نیز بیشتر می‌شود و به همین جهت، گسترش بازار میزان تولید را بالا می‌برد.

با در نظر گرفتن اهمیت تخصص و تقسیم کار، اسمیت در مرحله پایانی بحث خود از این مقوله، به نقش مکمل و ضروری تجارت توجه می‌کند. وی بر این حقیقت مسلم تأکید می‌نماید که تخصص و تقسیم کار نیاز به تجارت دارد، به این مفهوم که اگر تولیدکننده‌ای بخواهد در تولید یک محصول تخصص پیدا کند، باید قادر باشد تا محصول خود را در بازار بفروشد و یا زمانی او قادر است کالای خود را در بازار بفروشد که در آن تخصص، تولیدی داشته‌باشد. بنابراین، نقش تجارت در اقتصاد موجب می‌شود که منابع تولید با کارآمدترین روش تخصیص پیدا کند.

### خوش بینی اسمیت

آدام اسمیت با بررسی فقر و محرومیت و بطور کلی اوضاع اقتصادی آشفته‌ای که در زمان وی در انگلستان و دنیای غرب وجود داشت، تحلیل نمود که در بلندمدت گردش طبیعی اقتصاد در «سیستم آزادی طبیعی» - که همان نظام سرمایه‌داری آزاد است - از طریق «دست نامرئی» طوری عمل می‌کند که تعقیب منافع شخصی همواره منجر به تأمین منافع عمومی جامعه می‌شود و رفاه اجتماعی بوجود می‌آید. این طرز تفکر خوشبینانه اسمیت در واقع از نظریه «دست نامرئی» و همچنین از نظریه انباشت

سرمایه و توسعه اقتصادی او سرچشمه می‌گیرد. در نظریه دوم اسمیت توضیح می‌دهد که سرمایه‌گذاری تابعی است از سود و تحلیل می‌کند که چگونه تولیدکنندگان با کسب سود آن را مجدداً سرمایه‌گذاری خواهند نمود تا سود بیشتری بدست آورند. نتایج این امر نیز، تولید اقتصادی بیشتر، پیشرفت تکنولوژی و تولید بیشتر، و در نهایت با این فرض که نیروی کار و سرمایه مکمل یکدیگر هستند و نرخ پیشرفت تکنولوژی از نرخ رشد جمعیت بیشتر است، دستمزدهای بالاتر و شرایط اشتغال کامل برای مردم عادی (کارگران) خواهد بود. در این فرایند، رشد جمعیت، محرک توسعه اقتصادی است و مانعی در مسیر این توسعه محسوب نمی‌شود.

در نظریه انباشت سرمایه و توسعه اقتصادی، اسمیت فرض نمود که تقاضای کل تولید هرگز کاهش نخواهد یافت، زیرا اگر قسمتی از درآمد ملی پس‌انداز شود، این پس‌انداز خود به خود به سرمایه‌گذاری تبدیل خواهد شد. بنابراین، در اقتصاد سرمایه‌داری امکان ایجاد پس‌انداز اضافی، کمبود تقاضا و یا بیکاری در شرایطی که همه بازارها بطور رقابتی عمل می‌کنند وجود ندارد و ضمناً نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت در حد اشتغال کامل (بدون تورم و بیکاری) ثابت خواهد بود.

تحلیل اسمیت از قوانین طبیعی رفتار اقتصادی - از اینکه چگونه نیروهای بازار آزاد می‌توانند اقتصاد را کنترل کنند و در جهات مطلوب هدایت نمایند، مشروط بر آنکه دولت دخالت نکند و پارا از حیطة وظایف خود فراتر نگذارد<sup>۱</sup> - تحلیلی است که تا به امروز اصالت علمی خود را حفظ کرده است. اما نتیجه خوشبینانه اسمیت در مورد بازتاب آن - در مورد رهایی نهایی از فقر و گرسنگی موجود، در مورد بالا رفتن رفاه اقتصادی کارگران در بلندمدت - خیلی زود توسط توماس رابرت مالتوس و دیوید ریکاردو، دو تن از اقتصاددانان بدبین مکتب کلاسیک به چالش کشیده شد.

۱. از نظر آدام اسمیت وظایف دولت عبارت است از: ۱. امنیت داخلی، ۲. امنیت خارجی؛ ۳. حمایت از حقوق ناشی از مالکیت خصوصی؛ ۴. کنترل نظام پولی؛ و ۵. تولید و فراهم کردن کالاها و خدمات عمومی.



## مالتوس و ریکاردو و قوانین طبیعی اقتصاد

اساساً مالتوس و ریکاردو هر دو با عملکرد قوانین طبیعی اقتصاد بگونه‌ای که توسط اسمیت در کتاب ثروت ملل ارائه شد موافق بودند. بدین معنی که اگر دولت سیاست آزادی عمل (یا سیاست آزادی کسب و کار) را دنبال کند، یک نظم طبیعی در امور اقتصادی جامعه بوجود خواهد آمد. هر دو راه اسمیت را دنبال کردند و با تحقیقات خود به غنای علمی اقتصاد کلاسیک افزودند، اما با خوشبینی اسمیت مبنی بر بازتاب نهایی اقتصاد آزاد در جهان سرمایه‌داری مخالف بودند و تأکید کردند که رشد جمعیت مانع اصلی توسعه اقتصادی و بهبودی در رفاه اقتصادی جامعه بشری است، مالتوس اعتقاد داشت که شرایط سخت زندگی همچنان برای فقیران ادامه خواهد یافت: جمعیت آنقدر سریع رشد می‌کند که مردم همواره از گرسنگی رنج خواهند برد و منافع حاصل از افزایش تولید مواد غذایی بوسیله جمعیت فزاینده مصرف خواهد شد.

## قانون جمعیت مالتوس

در دهه ۱۷۰۰ در اروپا جمعیت بیش از دو برابر بالا رفته بود. در سال ۱۷۹۸ مالتوس کتاب معروف خود را تحت عنوان «مقاله‌ای در باب اصل جمعیت»<sup>۱</sup> منتشر نمود. در این کتاب او استدلال کرد که جمعیت سریعتر از افزایش تولید مواد غذایی رشد خواهد کرد. علت این امر قانون بازده نزولی نسبت به نیروی انسانی است. که مالتوس در کتاب خود تلویحاً به آن اشاره نمود.

آنچه که توسط مالتوس بیان شد - به این مفهوم که رشد فزاینده جمعیت مردم را فقیر و گرسنه نگه خواهد داشت - «قانون جمعیت مالتوس» خوانده می‌شود. این قانون در آن زمان معتبر بود و در حال حاضر در اغلب کشورهای پرجمعیت در حال توسعه جهان مصداق عملی دارد. امروزه در این کشورها رشد سریع جمعیت مانع اصلی

1. Thomas Robert Malthus, "An Essay on the Principle of Population" in An Essay on the Principle of Population and A Summary View of the Principle of Population, ed. Anthony Flew, Penguin Books, Inc., Baltimore, 1970.

توسعه اقتصادی و ترقی سطح زندگی مردم است. هر وقت که تولید بهبود می‌یابد و منافی از آن حاصل می‌گردد و شرایط زندگی بهتر می‌شود، جمعیت رشد می‌کند و تمامی این مزیتها را از بین می‌برد. ولی در کشورهای پیشرفته رشد جمعیت، پایین و مناسب بوده و از طرف دیگر، نرخ پیشرفت تکنولوژی بیشتر از نرخ رشد جمعیت است.

### الگوی نظری ریکاردو از نظام بازاری محض

ریکاردو یک نظریه پرداز اقتصادی برجسته قرن نوزدهم میلادی است. ریکاردو بجای توجه به مسئله تولید و رشد درآمد ملی، بیشتر به چگونگی توزیع درآمد توجه دارد و معتقد است سود و دستمزد بطور معکوس تغییر می‌کنند. از نظر اسمیت بهبود و رفاه وضع مردم یک کشور به تولید کلی آن کشور و تعداد افرادی که در امر تولید شرکت دارند، بستگی دارد. برخلاف این روش، کتاب ریکاردو با عنوان «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی» که در سال ۱۸۱۷ منتشر شد، با بحث در مورد توزیع محصول و درآمد زمین، بین سه طبقه مالک، کارگر و سرمایه‌دار آغاز می‌گردد.<sup>۱</sup> با طرح یک الگوی نظری، ریکاردو نشان داد که چگونه فرایند بازار، اقتصاد آزاد و رقابتی را هدایت و کنترل می‌کند. در این الگو ریکاردو ضمن تأکید بر اهمیت رشد سرمایه از طریق پس انداز و سرمایه‌گذاری، استدلال نمود که فقر گسترده موجود می‌تواند علت اساسی جهش به طرف رشد اقتصادی باشد. اما مانند مالتوس ریکاردو در مورد رفاه آینده اکثریت مردم بدبین بود.

### قانون مفرغ دستمزد

ریکاردو نیز مانند مالتوس استدلال می‌کند دستمزد کارگران (یا قیمت بازاری کار) در بلندمدت به علت فشار جمعیت و عملکرد قانون بازده نزولی نسبت به کار رو به

1. David Ricardo, *Principles of Political Economy and Taxation*, ed. E. Gonner, George Bell, Inc, London, 1981.

تنزل خواهد گذاشت و در حد دستمزد معیشتی (یا قیمت طبیعی کار) و یا نزدیک به آن (و گاهی اوقات زیر آن) قرار خواهد گرفت. در یک دوره طولانی، دستمزد کارگران پیوسته تمایل دارد که در حداقلی که برای ادامه زندگی معیشتی آنها کافی است قرار گیرد و در نتیجه مشکلات اقتصادی آنها تداوم یابد. نظریه ریکاردو مبنی بر تمایل میزان دستمزد کارگران به حداقل معاش، بعدها توسط اقتصاددانان دیگر از جمله کارل مارکس بیشتر مورد بحث قرار گرفت و به «قانون مفرغ دستمزد» معروف شد.

### هزینه بالای مواد غذایی و دستمزدهای بالا

از آنجا که سطح دستمزد کارگران باید در سطح دستمزد معیشتی قرار بگیرد و چون دستمزد معیشتی وابسته به قیمت موادی است که برای زندگی کارگر و خانواده او مورد نیاز است، اگر هزینه مواد مذکور ترقی کند، دستمزد معیشتی کارگران نیز به حدی که آنها قادر به خرید مایحتاج و ادامه زندگی خود گردند افزایش خواهد یافت. برعکس، تنزل هزینه زندگی، تنزل دستمزدها را به دنبال خواهد داشت. بطور مثال، اگر غله و سایر مواد غذایی گران باشد، دستمزدهایی که کارفرمایان تولیدی باید بپردازند بالا خواهد بود و در نتیجه سود آنها نیز پایین خواهد آمد. اما اگر فرض کنیم که هزینه خرید مواد غذایی پایین است، در این حالت دستمزدها پایین و سود بالا خواهد بود.

رابطه معکوس بین دستمزد و سود نتیجه دیگری است که از الگوی ریکاردو به دست می آید. در حالت اول که در بالا بررسی شد، چون سود کاهش می یابد، میزان سرمایه گذاری نیز کاهش می یابد و رشد اقتصادی متوقف می شود. به همین دلیل ریکاردو با «قوانین غلات» (که بازمانده دوران سوداگری در انگلیس بود) مخالف است، زیرا تعرفه های گمرکی برای ورود غلات به انگلیس بالا بود و به همین جهت این قوانین تداوم رشد اقتصادی را با مشکل مواجه می ساخت.

## کاهش سود

تجزیه و تحلیل ریکاردو در الگوی نظری خود ابعاد گسترده تری دارد. او استدلال می‌کند که با رشد جمعیت و ثابت بودن سطح زمینهای مرغوب و به علت ایجاد بازده نزولی قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و هزینه زندگی بالا می‌رود. همانگونه که جمعیت بیشتر، مواد غذایی موجود را مصرف می‌کنند، زمینهای بیشتری باید وارد کشت شوند. اما این زمینهای جدید هر کدام بتدریج کمتر حاصلخیز خواهند بود. به همین جهت، کشاورزان هوشمند ابتدا زمینهای حاصلخیزتر (زمینهای مرغوب) را مورد استفاده قرار خواهند داد و سپس در صورتی زمینهای کمتر حاصلخیز (زمینهای نامرغوب) را وارد کشت می‌کنند که قیمت غله به اندازه کافی بالا برود تا آنها بتوانند هزینه کشت غله را روی چنین زمینهای ضعیفتری پوشش بدهند. در نتیجه هزینه تولید غله بیشتر روی زمینهای نامرغوب بالا می‌رود و هزینه زندگی را افزایش می‌دهد. سپس دستمزد معیشتی کارگران باید افزایش یابد و این امر موجب کاهش سود می‌گردد. با کاهش سود، میزان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و رشد اقتصادی متوقف شده و اقتصاد وارد بحران اقتصادی و بیکاری می‌گردد.

## نظریه رانت یا بهره مالکانه زمین

از نظر ریکاردو خوشبینی اسمیت درباره بهبود مداوم وضع اقتصادی جهان اشتباه است و در توجیه نظر خود می‌گوید: فشار جمعیت سرانجام مردم را مجبور می‌کند تا زمینهای پست یا نامرغوب را زیر کشت ببرند، از زمینهای مرغوب بهره‌برداری بیشتری بکنند و پیشرفت تکنولوژی قادر نیست بطور کامل از این امر جلوگیری کند. ریکاردو از این نظریه استنتاج می‌کند که به مرور زمان با افزایش قیمت غله - تا حدی که استفاده از زمینهای نامرغوب را ممکن سازد - به مالکان زمینهای مرغوب «رانت» یا «بهره مالکانه» بالایی تعلق خواهد گرفت. بدین ترتیب، ریکاردو نتیجه گرفت: «غله از آن جهت گران نیست که برای آن بهره مالکانه پرداخت می‌شود، بلکه

بهره مالکانه بدین دلیل به مالک زمین پرداخت می‌شود که غله گران است و این موضوع کاملاً مشاهده شده است که حتی اگر مالکان زمین از کل بهره مالکانه خویش صرف‌نظر کنند، کاهشی در قیمت غله بوجود نمی‌آید.<sup>۱</sup>

باتوجه به رشد جمعیت، سهم بهره مالکانه در جریان توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد زیرا ارزش مبادله محصولات تولید شده، در زمینهای نامرغوب نسبت به ارزش مبادله‌ای کالاهای صنعتی افزایش خواهد یافت. تمایل به افزایش بهره مالکانه در بلندمدت برای آینده دستمزد و سود اهمیت اساسی دارد. با این فرض که دستمزد کارگران در بلندمدت در حداقل معیشت قرار می‌گیرد و ثابت است، میزان سود با ازدیاد بهره مالکانه کاهش یافته و به طرف صفر میل خواهد کرد. با کاهش میزان سود و جذب کامل آن توسط بهره مالکانه، رشد سرمایه و سرمایه‌گذاری متوقف شده و اقتصاد وارد رکود اقتصادی و بیکاری می‌گردد. ریکاردو معتقد است که در این شرایط منافع مالکان با منافع سرمایه‌داران و کارگران تضاد پیدا می‌کند. مالکان مرتب غنی و غنی‌تر می‌شوند، در حالیکه کارگران یک زندگی «بخور و نمیر» خواهند داشت و با کمال تعجب سرمایه‌داران از بین خواهند رفت.

### سایر اقتصاددانان کلاسیک

در دوران مالتوس و ریکاردو، بسیاری از اقتصاددانان دیگر نیز در مورد مسائل اقتصاد سیاسی تحقیق می‌کردند. ژان باتیست سی و جان استوارت میل، دو تن از این اقتصاددانان هستند که در دهه ۱۸۰۰ در مورد الگوی نظام بازاری محض و تحقیق و تفحص نمودند. سی مانند اسمیت یک اقتصاددان خوشبین است و برای «قانون بازارها» که به افتخار نام او به «قانون سی» معروف است، شهرت دارد. برحسب این قانون، عرضه تقاضای خود را بوجود می‌آورد و بنابراین تولید اضافی در اقتصاد سرمایه‌داری ناممکن است. این قانون محور اصلی نظریه ایستای تعادل اشتغال کامل

1. *Ibid.*, pp.74-75.

است که سی بطور مبسوط در کتاب خود تحت عنوان «رساله‌ای درباره اقتصاد سیاسی» - که در سال ۱۸۰۳ انتشار یافت - آن را بررسی می‌کند.<sup>۱</sup> جان استوارت میل آخرین اقتصاددان برجسته مکتب کلاسیک و اقتصاددانی بینابین است؛ زیرا موضعی بین مواضع خوشبینها و بدبینها دارد. میل در سال ۱۸۴۸ و در سن ۴۲ سالگی کتاب معروف «اصول اقتصاد سیاسی» خود را منتشر نمود.<sup>۲</sup> این کتاب تا سال ۱۸۹۰ که آلفرد مارشال<sup>۳</sup>، برجسته‌ترین اقتصاددان نئوکلاسیک، کتاب «اصول علم اقتصاد» خود را انتشار داد، مهمترین کتاب درسی اقتصاد بود. بیشتر مطالب کتاب «میل» اقتصاد کلاسیک جزمی بود. وی اساساً در این کتاب سعی کرد تا آنچه که توسط نویسندگان مختلف از زمان اسمیت به بعد نوشته شده بود را جمع‌آوری نموده و با یکدیگر تلفیق کند. ولی با این حال بطور کامل جزمی نبود، چرا که الگوی ریکاردو را براساس «قوانین توزیع» به چالش کشید.

### چالش الگوی ریکاردو توسط میل

الگوی ریکاردو، همانگونه که ملاحظه شد، عملکرد یک نظام اقتصادی را نشان می‌دهد که کاملاً توسط فرایند بازار کنترل می‌شود. میل بر این نکته تأکید می‌کند که لازم نیست به نیروهای طبیعی بازار اجازه دهیم که برای فرد تصمیم بگیرد تا او چقدر از مواد غذایی مصرف کند. ولی برای جامعه امکان دارد که تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد برخی گرسنه بمانند و یا خیر؟ در حالیکه برخی دیگر (مانند مالکان زمین) غنی و غنی‌تر بشوند. او معتقد است که «قوانین توزیع» می‌تواند روش تقسیم تولید بین افراد جامعه را تغییر دهد.

طرح قوانین توزیع و تفکیک آنها از قوانین تولید، مهمترین سهم علمی میل در

1. Jean Baptiste, "A Treaties on Political Economy", in the Readings in History of Economic Thought, ed. S. Howard Patterson, Mc Grow-Hill Book Co., New York, 1932.

2. John Stuart Mill, P

3. Alfred Marshall (1842-1924)

اقتصاد است. قوانین تولید که جریان تولید ثروت را کنترل می‌کنند، قوانینی هستند مطلق و تغییرناپذیر. این قوانین در حیطه «اقتصاد اثباتی» قرار دارد. در حالیکه قوانین توزیع که جریان توزیع ثروت را کنترل می‌کنند، قوانینی هستند نسبی و تغییرپذیر. این قوانین در حیطه «اقتصاد دستوری» جای دارد. میل «اقتصاد اثباتی» را از «اقتصاد دستوری» تفکیک نمود، با این هدف که دومی را وارد الگوی ریکاردو کند تا مسائل اقتصادی حاصل از آن را با توجه به مفاهیم فلسفه اجتماعی خود ارزیابی نماید.

### فلسفه اجتماعی میل

میل در قالب مسئله توزیع، گرایش سوسیالیستی دارد و خود را یک سوسیالیست می‌داند. در کتاب زندگینامه میل که در سال ۱۸۷۳ انتشار یافت، بخوبی گرایش وی بسوی سوسیالیسم تخیلی نمایان است و این زمانیست که افکار سوسیالیستی مدت نیم قرن است که در اروپا شایع شده است<sup>۱</sup> و از آنجا که انحلال کلی نظام سرمایه‌داری را تجویز نمی‌کند، براساس اظهار نظر کارل مارکس می‌توان میل را یک «سوسیالیست تخیلی» نام نهاد. به عبارت دیگر، از نظر میل برای اعمال اصلاحات اجتماعی در نظام سرمایه‌داری، الغای مالکیت خصوصی و جایگزینی آن توسط مالکیت اشتراکی لازم نیست، لیکن باید راه را برای دخالت بیشتر دولت در جهت از بین بردن نابرابری در توزیع درآمد و ثروت و ایجاد رفاه اجتماعی باز نمود.

### معارضان مکتب اصالت فرد: سوسیالیستهای تخیلی

در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی در فرانسه اوضاع اقتصادی و اجتماعی با زمانی که ژان باتیست سی در اوائل دهه ۱۸۰۰ در باب مسائل اقتصادی سخن می‌گفت و کتاب خود را می‌نوشت، تفاوت‌های زیادی داشت؛ توسعه و تمرکز صنایع در

1. John Stuart Mill, *Autobiography*, Longmans, Green and Company, London, 1873, pp.29-31.

دست سرمایه‌داران انحصارگر، واحدهای کوچک تولیدی را از بین برده و مسائل اقتصادی و اجتماعی زیادی ببار آورده‌بود. بر اثر زوال سازمانهای صنفی سابق، نیروی انسانی فردی تنها و بیکار در برابر دولت قرار داشت. کارفرمایان با عدم رعایت اصول اخلاقی لازم در مقابل کارگران به حال و روز آنها توجه نمی‌کردند و با چنان شتابی به دنبال ازدیاد ثروت و توسعه کار خود بودند که خواه ناخواه به موانع بزرگی برخورد کردند. بحرانهای اقتصادی و فقر کارگران را می‌توان نتیجه شتاب آنها قلمداد نمود.

در انگلستان هم وضعیت مشابهی وجود داشت. تمرکز سرمایه و بهره‌برداری انحصاری از آن موجب شده‌بود که توزیع درآمد و ثروت بسیار غیرعادلانه گردد و به فقر اقتصادی افزوده شود. وضع تغذیه عمومی هم مطلوب نبود و بیماریهای ناشی از تغذیه نامناسب شیوع داشت.

در این شرایط، تعدادی از متفکران اقتصادی نظام سرمایه‌داری بقدری به این نظام بدبین شدند که فلسفه «اصالت فرد» را کنار گذاشتند و خواستار بازسازی سوسیالیستی آن شدند. این افراد بعداً براساس اظهارنظر کارل مارکس لقب «سوسیالیستهای تخیلی» را به خود گرفتند، به این دلیل که بنا به استدلال مارکس جنبش سوسیالیستی که آنها ترویج دادند «خیالی» و در نتیجه فاقد بنیه علمی بود؛ در حالیکه مارکسیسم و جنبش حاصل از آن، آنطور که مارکس ادعا می‌کرد «سوسیالیسم علمی» بود.

سیسموندی اقتصاددان سوئوسی از نخستین سوسیالیستهای تخیلی بحساب می‌آید. وی طرفدار سرسخت تولید در مقیاس کوچک بود و علل بحرانهای اقتصادی را ناشی از فزونی تولید بر مصرف می‌دانست. از نظر سیسموندی برخلاف تصور اسمیت و سی، نتیجه سرمایه‌داری، چیزی جز اضافه تولید، بحران اقتصادی، فقر و بیکاری نخواهد بود.

پرودون یک سوسیالیست تخیلی فرانسوی است که کتابی تحت عنوان «فلسفه فقر» در سال ۱۸۰۴ انتشار داد. به نظر پرودون فقر و ثروت دو عنصر مجزا از یکدیگر



هستند و روی یکدیگر تأثیر متقابل نمی‌گذارند. صنایع و مالکیت هر قدر کوچک باشند، برای زندگی اقتصادی و اجتماعی بهتر است. پرودون با صنایع ماشینی بزرگ مخالف است و چنین تأسیساتی را با منافع کوچک کارگرانی که در این مؤسسات کار می‌کنند، مغایر می‌داند. از نظر پرودون، این صنایع باید در تصاحب اتحادیه‌های کارگری قرار گیرد و جامعه باید این اتحادیه‌ها را تحت کنترل قرار دهد. از طرف دیگر، برای بهبود وضع اقتصادی کارگران، قوانین کار باید اصلاح شود.

کارل مارکس با مطالعه کتاب پرودون و رد عقاید او کتابی تحت عنوان «فقر فلسفه» در سال ۱۸۴۷ منتشر نمود و در آن به این نتیجه رسید که هر چند هدف پرودون برای رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی بسیار شایسته است ولی روش او در شیوه بررسی مسائل اقتصادی چیزی جز یک روش خیالی نیست.<sup>۱</sup> به نظر مارکس، فقر و ثروت دو عنصر وابسته به یکدیگر هستند و روی یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. مالکیت خصوصی حتی به صورت محدود باز هم منجر به فقر می‌گردد. از این گذشته، ریشه نابسامانیهای نظام سرمایه‌داری را نمی‌توان با اصلاح قوانین کار از بین برد. اصلاح قوانین کار یک علاج کوتاه‌مدت است و تا زمانی که مالکیت خصوصی برقرار باشد، مشکلات اقتصادی نظام سرمایه‌داری مانند توزیع نابرابر درآمد و ثروت و فقر اقتصادی وجود خواهد داشت. برای از بین بردن این مشکلات، نظام سرمایه‌داری باید بطور بنیادی از بین برود و نظام اشتراکی جایگزین آن گردد، نه اینکه برای «اصلاح» آن به خواب و خیال متوسل شویم.

سن سیمون یکی دیگر از سوسیالیستهای تخیلی فرانسوی است که برخلاف پرودون با صنایع بزرگ موافق است. او معتقد است که دخالت دولت بیش از آنکه مفید باشد، مضر است و قدرت باید در دست تولیدکنندگان (تاجران یا صاحبان صنایع)، و

1. Karl Marx, *The Poverty of Philosophy (A Critique of Proudhon's Philosophie de La Misere)* in *Collected Works*, Vol. VI, Progress Publishers, Moscow, 1976, pp.22-25.

علما (دانشمندان و تکنسین‌ها) باشد.<sup>۱</sup>

«فوریه» یکی دیگر از سوسیالیستهای تخیلی فرانسوی است که برخلاف سن سیمون با تولید زیاد و تمرکز صنعتی مخالف است. وی معتقد است که رقابت که اساس نظام سرمایه‌داری است، مخرب است و تنها مشارکت اختیاری و آزاد قادر است بی‌آنکه به آزادی صدمه بزند رقابت را از میان بردارد. فوریه تأسیس سازمانهای تعاونی خاصی، یعنی «فالانسترها»<sup>۲</sup> را که در قلب آنها کارگران بطور اشتراکی زندگی می‌کنند، پیشنهاد می‌کند.

و بالاخره با بررسی مختصر عقاید رابرت اوئن، سوسیالیست تخیلی انگلیسی، بحث خود را در مورد معارضان مکتب اصالت فرد به پایان می‌بریم. اوئن تأثیر درخشانی در جنبش سوسیالیسم، تعاون و اتحادیه‌های کارگری داشته‌است. واژه سوسیالیسم برای اولین بار به وسیله اوئن در سال ۱۸۲۷ بکار برده شد و منظور از سوسیالیسم پیروی از نهضت تعاون یا مالکیت اجتماع بر سرمایه بود. در مجموع، تعاونیها بصورتی که در قرن نوزدهم میلادی بوسیله رابرت اوئن و شارل فوریه<sup>۳</sup> معرفی شدند، عکس‌العمل منطقی جوامع اروپایی، در مقابل مسائل و مشکلات اقتصادی نظام سرمایه‌داری بودند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

### چالش مرکانتیلیسم

این مقاله که با بررسی چالش مرکانتیلیسم شروع شد، با بحث در مورد عقاید معارضان مکتب اصالت فرد و آغاز نهضت مارکسیسم به پایان رسید. کتب

---

۱. این نشریه تعبیری جدید از نظریه برگزیدگان افلاطون است که در اینجا متفکران افلاطونی به همراه تولیدکنندگان، اولین مقام را اشغال می‌کنند.

2. Phalanstere

۳. دو تن از اجتماعيون تعاون‌طلب که کاملاً معاصر یکدیگر بودند (اوئن متولد سال ۱۷۷۱ و فوریه متولد سال ۱۷۷۲ است).

مرکانتیلیسم که به عنوان پیشتاز اندیشه‌های اقتصادی نو در قرن پانزدهم تولد یافت، تا اواسط قرن هیجدهم پایه سیاست اقتصادی کشورهای بزرگ اروپایی را تشکیل می‌داد. تمام هدف این مکتب بر محور تجارت خارجی و کسب ثروت (طلا و نقره) استوار بود. مرکانتیلیست‌ها همگی بر این عقیده اتفاق نظر داشتند که کشور به هر ترتیبی که هست باید به هدف سیاست «تراز بازرگانی مثبت» دست یابد. آنها در وهله اول بر نقش مثبت کارگر در ازدیاد ثروت تأکید می‌کردند و در وهله دوم دخالت دولت در امور اقتصادی را ضروری می‌دانستند. همانگونه که در این مقاله ملاحظه شد، سیاست «تراز بازرگانی مثبت» در عمل با مشکلاتی روبرو گردید و کارایی خود را از دست داد.

### مکتب فیزیوکراسی

باتوجه به مشکلاتی که در بالا ذکر شد، از نیمه دوم قرن هیجدهم با مکتب فیزیوکراسی روبرو می‌شویم. دکتر کنه در سال ۱۷۵۸ کتابی تحت عنوان «جدول اقتصادی» انتشار داد که در آن از «نظام طبیعی» حمایت کرد و پیروان و همفکران او را در تألیفاتشان مطالعات و مباحث علمی خود را نیز بر همین پایه قرار دادند و تحقیقات قابل توجهی نسبت به مسائل اقتصادی ارائه کردند و شرایط لازم را برای رشد جوانه‌های علم اقتصاد فراهم نمودند.

بدین ترتیب، مکتب فیزیوکراسی به رهبری دکتر کنه و با هدایت افکار و نسان دوگورنه، مارکی دو میرابو، مرسیه دو لاریویر، دوپون دو نِمور، آبه نیکولاس بُدو، تورگو و دیگران پایه‌گذاری شد. فیزیوکراتها معتقد بودند که منشأ تولید و ثروت، کشاورزی است و بنابراین، نظام زندگی بر پایه نظم طبیعت است.

فیزیوکراتها در عین حال که به تساوی افراد معتقد بودند به آزادی اقتصادی اعتقاد داشتند و می‌گفتند که افراد باید در زندگی مادی آزاد باشند تا برحسب منافع خود رفتار کنند. دولت نباید در امور اقتصادی افراد دخالت کند. بدین ترتیب، جانبداری از تز مداخله دولت در امور اقتصادی - که مورد تأکید سوداگران بود - از بین

رفت.

آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل» تصریح می‌کند که فیزیوکراسی باید به‌عنوان واکنشی به سیاستهای سوداگرانه کلبر - که در دوران سلطنت لوئی چهاردهم مدتی وزیر دارای فرانسه بود - تلقی گردد.<sup>۱</sup> در این دوران صنعت در این کشور بطور کلی رونق گرفت، ولی کشاورزی عقب ماند به این دلیل که رهبران سیاسی فرانسه توسعه صنایع را مهمتر از توسعه کشاورزی می‌دانستند.

یکی از انتقادات اصلی فیزیوکراتها بر سیاستهای سوداگران و بویژه کلبر و حامیان او این بود که کشاورزی را فدای توسعه صنایع کرده‌اند، ولی آنها نیز مانند سوداگران، کشاورزی و صنعت را دو قطب مخالف توسعه تصور کردند و بهبود هر یک را مابین توسعه دیگری می‌دانستند، در صورتی که ما امروز می‌دانیم که برحسب «نظریه رشد متوازن»<sup>۲</sup> بسط و توسعه صنعت و کشاورزی باید متوازن باشد؛ چرا که این دو مکمل یکدیگرند.

## مکتب کلاسیک و اندیشه‌های اسمیت

مکتب فیزیوکراسی عمر کوتاهی داشت و پس از آن، مکتب کلاسیک با تز «لیبرالیسم اقتصادی» و براساس فلسفه «اصالت فرد» جهت تنظیم امور در نظام اقتصادی رواج یافت. آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ با انتشار کتاب «ثروت ملل» به‌عنوان بنیانگذار مکتب لیبرالیسم شناخته شد و لقب پدر اقتصاد را برای خود کسب کرد. در این کتاب وی با مشاهده وضع نامطلوب اقتصادی در انگلستان توضیح داد که تمامی این سختیها و مشکلات برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی در بلندمدت لازم بوده‌است. قوانین طبیعی اقتصاد اینطور حکم می‌کرد و چاره‌ای نبود جز انتظار؛ به امید آنکه همین قوانین مشکلات را در بلندمدت از بین ببرد.

1. Adam Smith, *Wealth of Nations*, ed. Edwin Cannon, pp.634-643.

2. Albert O. Hirschman, *Strategy of Economic Development*, Yale University Press, New Haven, 1958, pp.50-52.

به اعتقاد اسمیت منشأ ثروت، تولید است که اساساً از نیروی کار انسانی بدست می‌آید به این علت که زمین و سرمایه بدون همکاری نیروی کار قادر به تولید نیست. از اینرو، تولیدکنندگان که به دنبال کسب منافع شخصی خود هستند و در این راه دستی نامرئی آنها را هدایت می‌کند، منافع جامعه را نیز تأمین می‌کنند، بنابراین با وجود آمدن تقسیم کار بر پایه تخصص، ثروت افزایش می‌یابد. نیروی کار، تجارت و صنعت از مبانی ثروت است و در این میان نقش کار و آن هم کار مولد از همه بیشتر است. نیروی کار مولد نیروی کاریست که در جریان تولید منجر به تولید کالاهای قابل لمس و یا قابل خرید و فروش بصورت کالاهای کشاورزی و صنعتی می‌شود. از این جهت، صنعت هم مانند کشاورزی مولد است و برخلاف نظر فیزیکرانتها عقیم نیست و مشمول مالیات هم می‌گردد. ولی به گفته اسمیت، خدمات، غیرمولد است که این نظریه بعداً اشتباه شناخته شد.

الگوی خوشبینانه اسمیت این بود که اگر دنیای رقابت و تعقیب منافع شخصی در حوزه سرمایه‌گذاری حاکم باشد که در نظام سرمایه‌داری آزاد چنین است، توسعه الزاماً ایجاد خواهد شد، زیرا تقاضای موجود در جامعه به تصمیماتی برای سرمایه‌گذاری می‌انجامد. با اجرای الگوی اسمیت، در بعضی کشورها از جمله انگلیس، تولید شروع به افزایش کرد، سرمایه‌گذاری بالا رفت، ولی مشکلات اقتصادی دوران انقلاب صنعتی که قرار بود در جامعه حل شود، حل نشده باقی ماند. این نتیجه را می‌توان با دو دیدگاه ارزیابی نمود. اول؛ آنچه که بحث نظری اسمیت به ما می‌گوید این است که طی زمان باید انتظار می‌داشتیم که تولید به صورت مداوم و مستمر در حد اشتغال کامل افزایش پیدا کند. تولید در طول زمان، افزایش پیدا کرد، لیکن این تولید در حد اشتغال کامل، روند ثابتی نداشت بلکه یک مسیر نوسانی را طی نمود که این امر مربوط به بی‌ثباتی ذاتی نظام سرمایه‌داری است که برای اسمیت ناشناخته بود. دوم؛ الگوی اسمیت در نخستین مراحل انقلاب صنعتی به دلیل تغییر در ساختار بازارهای رقابتی و پیدایش انحصارات به کامل نشد بلکه به خطا کشیده شد.

اسمیت از انحصارات واهمه‌ای نداشت؛ زیرا باتوجه به شرایط اقتصادی آن زمان و فقدان کارخانه‌های بزرگ صنعتی مطمئن بود که هیچ انحصار خصوصی، در صورتی که توسط دولت حمایت نگردد، قادر نخواهد بود برای مدت زیادی دوام بیاورد، زیرا در این صورت، با پیدایش منافع انحصاری، بلافاصله رقابت پدید خواهد آمد و انحصارات را نابود خواهد کرد. لیکن در عمل عکس این وضعیت پیش آمد و مسائل اقتصادی ایجاد شده عمدتاً ناشی از انحصارات و توسعه آنها بود.

### مکتب کلاسیک و اندیشه‌های مالتوس، ریکاردو و میل

فقر و محرومیت در جامعه انگلیس ادامه یافت تا اینکه مالتوس و ریکاردو دو اقتصاددان بدبین مکتب کلاسیک، باتوجه به مسئله رشد جمعیت، الگوی اسمیت و همچنین افکار سی را به چالش کشیدند. مالتوس افکار بدبینانه خود را باتوجه به نظریه جمعیت تبیین نمود و ریکاردو با طرح الگوی توزیع درآمد خود مسائل اقتصادی نظام سرمایه‌داری را بررسی کرد. بحثهای مالتوس و ریکاردو در جامعه انگلیس آنقدر ادامه یافت تا اینکه بر اثر درک تضاد ناشی از منافع اجتماعی و منافع شخصی و وجود عدم تعادلهای اقتصادی و یا بحرانها، علیرغم نظریه تعادل پایدار اسمیت و سی، جنبشهای فکری مخالف با «آزادی عمل» پا گرفت. در این مسیر، جان استوارت میل که یک اقتصاددان برجسته مکتب کلاسیک است با تز لیبرالیسم اقتصادی همراه با اصلاحات اجتماعی پیشقدم شد.

### معارضان مکتب اصالت فرد

بعد از میل، در قرن نوزدهم و در فرانسه یک جنبش فکری معارض مکتب کلاسیک بوجود آمد که در قالب آن، اندیشمندان و متفکران اقتصادی مانند سیسموندی، پرودون، سن سیمون، فوریه و اوئن آنقدر به نظام سرمایه‌داری بدبین شدند که فلسفه «اصالت فرد» را بطور کامل مطرود اعلام کردند و خواستار بازسازی

سوسیالیستی این نظام شدند. آنها معتقد بودند که قوانین طبیعی اقتصاد، برخلاف نظر آدام اسمیت، در بلندمدت شرایط لازم را برای پیشرفت و رفاه اقتصادی ایجاد نمی‌کند و بدین علت باید آنها را کنار گذاشت. بطور کلی این متفکران طرفدار نوعی سوسیالیسم هستند که باید جایگزین نظام سرمایه‌داری گردد که کارل مارکس از آن تحت عنوان «سوسیالیسم تخیلی» نام می‌برد.

در پایان باید تأکید کرد که در دوران انقلاب صنعتی (۱۸۵۰-۱۷۵۰) نظام سرمایه‌داری آزاد یا محض و علم اقتصاد پایه‌گذاری شدند و همچنین در این دوران با مکتب کلاسیک و با آدام اسمیت به عنوان بنیانگذار علم اقتصاد مواجه می‌شویم، ولی مشکلات اقتصادی نظام سرمایه‌داری بصورت لاینحل باقی می‌ماند. در مرحله بعدی (۱۹۲۰-۱۸۵۰) که از آن به عنوان دوره اعتراض و آشوب اجتماعی نام می‌بریم، جامعه غربی با ادامه مبارزه خود علیه فقر، محرومیت و بیکاری، در آستانه تحولات اجتماعی قرار می‌گیرد و ضمناً علم اقتصاد سیر تکوینی خود را طی می‌کند. در این مرحله است که منتقدان اصلی نظام سرمایه‌داری، مانند مارکس و لنین<sup>۱</sup>، اندیشه‌های تازه‌ای را مطرح می‌سازند و مکاتب فکری جدیدی را در علم اقتصاد پایه‌گذاری می‌نمایند.

## کتابنامه:

۱. بدن، لوتی. تاریخ عقاید اقتصادی. ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۰.
۲. تفضلی، فریدون. تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر. ویراست دوم. چاپ سوم. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۳. «رابطه رشد جمعیت با رشد و توسعه اقتصادی از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک»، بر نامه و توسعه. شماره ششم (تابستان ۱۳۶۵).
۴. ژید، شارل و ریست، شارل. تاریخ عقاید اقتصادی. جلد اول. ترجمه دکتر کریم سنجابی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۵. مدنی، علی اکبر. تاریخچه تحولات عقاید اقتصادی: از عهد باستان تا به زمان حاضر. تهران: انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۰.
۶. وحیدی، حسن. تاریخ عقاید اقتصادی. جلد اول. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۵۶.
7. Hirschman, Albert O. *Strategy of Economic Development*. Yale University Press. New Haven., 1958.
8. Higgs, Henry. *The Physiocrats*, Macmillan Co, New York., 1971.
9. Hume, David. *On the Balance of Trade: Essays*. Vol.I. Longram. Green and Company, London., 1912.
10. Malthus, Thomas Robert. "An Essay on the Principle of Population" in An Essay on the Principle of Population and A Summary View of the Principle of Population. ed. Anthony Flew, Penguin Books, Inc. Baltimore., 1970.
11. Marx, Karl. *The Poverty of Philosophy* (A Critique of Proudhon's Philosophie de La Misere) in Collected Works. Vol. VI, Progress Publishers, Moscow., 1976.
12. Meek, Ronald L. "Physiocracy and Classicism in Britain". In *Readings in The History of Economic Theory*. ed. ingrid H. Rima, Holt, Rinehart and Wiston., New York., 1970.
13. Mill, John Stuart. *Principles of Political Economy*. ed. W. J. Ashley. Longmans, Green and Compay, London., 1873.
14. Quesnay, Francois. *Tableau Economique*. ed. M. Kuijynski and Ronald L. Meek, George and Allen and Unwin. London., 1972.



15. Ricardo, David. *Principles of Political Economy and Taxation*. ed. E. Gonner, George Bell. London., 1981.
16. Rostow, Walt Whitman. *The Stages of Economic Growth*. Cambridge University Press. Cambridge., 1961.
17. Say, Jean Baptiste. "*A Treatise on Political Economy*". in the Readings in History of Economic Thought, ed. S. Howard Patterson. Mc Grow-Hill Book Co. New York., 1932.
18. Smith, Adam. *Wealth of Nations*. ed. Edwin Cannon. Modern Library. New York., 1965.
19. Schumpeter, Joseph. *History of Economic Analysis*. Oxford University Press. New York., 1963.